اقتصاد مقاومتی
در سایه وحدت ملی و امنیت ملی



فرزاد مرادپور
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

اقتصاد مقاومتی نخستین بار در سال ۱۳۸۹ از سوی رهبر شهید انقلاب اسلامی به‌عنوان راهبرد کلان اقتصادی کشور در شرایط تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه کشور مطرح گردید و متعاقباً در سال ۱۳۹۲ سیاست‌های کلان آن با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد. سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ که مقارن سال‌های اوج برجام بود و بیم فاصله گرفتن از مسیر اقتصاد مقاومتی می‌رفت هم به ترتیب با نام‌های «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» و «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال» نامگذاری شدند. امسال در بحبوحه تحمیل جنگ نظامی بر کشورمان برای بار سوم با نام اقتصاد مقاومتی نامگذاری شده است و عنوان « اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» یافته است. چراکه وقوع جنگ اهمیت مقولات امنیت ملی و وحدت ملی را افزایش داده و اقتضائات خود را در عرصه اقتصادی ایجاد کرده است. می‌توان چنین گفت که اگر چه اقتصاد مقاومتی از نظر مفهومی دربردارنده تاب آوری و درون‌زایی بود و عملاً هم مواجهه با تحریم‌های اقتصادی عناصری از تاب‌آوری و درونزایی را در اقتصاد ملی تقویت کرده بود، اما سیاست‌های کلی مصوب اقتصاد مقاومتی فاقد سمت و سویی معنادار با هدف ارتقای تاب‌آوری بود به نحوی‌که به انتخاب سیاستی به معنای جایگزینی سیاستی به جای سیاست دیگر نمی‌انجامید و عموم سیاست‌های اقتصادی به نحوی قابل تطبیق با آن سیاست‌های کلی بود و روال‌های جاری سیاستی بدون هیچ جهت‌گیری معناداری به این سیاست‌های کلی نسبت داده می‌شد. وقوع جنگ ایجاد گزینشی از سیاست‌های حایز اولویت را ناگزیر می‌ساخت و به‌نظر می‌رسد شعار سال که اقتصاد مقاومتی را در سایه وحدت ملی و امنیت ملی تعریف می‌کند صرفاً درصدد آن نیست که وحدت ملی و امنیت ملی را به‌عنوان پیش‌نیاز اقتصاد مقاومتی معرفی کند؛ بلکه عملاً قید معناداری را در بازتعریف سیاست‌های سازگار با اقتصاد مقاومتی مطرح می‌سازد که می‌تواند محملی برای بروز نیرومندتر اقتصاد مقاومتی باشد. به عبارتی باید دید که کدام سیاست‌های اقتصادی هستند که بر وحدت ملی و امنیت ملی می‌افزایند و به مقاوم بودن اقتصاد کمک می‌کنند و کدام‌ها ضد وحدت ملی و امنیت ملی هستند و باید از آنها اجتناب کرد. چنین نگرشی می‌تواند جهت‌گیری سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی را در راستای مقاوم‌سازی اقتصاد هدفمندتر سازد و نقیصه‌ای که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به آن دچار بود را ترمیم کند.

وحدت ملی، مبنای مشروعیت و کارآمدی سیاست‌های اقتصادی است. در این رویکرد، «وحدت ملی» صرفاً یک دستاورد سیاسی نیست، بلکه تفکر حاکم بر اقتصاد مقاومتی است بدین معنا که سیاست‌های اقتصادی تنها زمانی در ردیف «اقتصاد مقاومتی» قرار می‌گیرند که تقویت‌کننده وحدت ملی باشند. هر سیاستی که منجر به قطبی‌سازی جامعه، تشدید شکاف طبقاتی یا «شوک‌درمانی»های بی‌محابا شود، به دلیل ضربه به انسجام اجتماعی، ذاتاً ضد مقاومت است. اقتصاد مقاومتی در شرایط فعلی کشور باید بر پایه مشارکت عمومی و اعتماد متقابل میان دولت و ملت بنا شود. بدون این وحدت، اصلاح الگوی مصرف یا تحمل تکانه‌های جنگی دشوار خواهد بود. بنابراین، عدالت توزیعی و شفافیت، نه صرفاً توصیه‌های اخلاقی، بلکه ضرورت‌های ساختاری برای شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی هستند.

در شرایط افزایش نااطمینانی ژئوپلیتیک، آنچنانکه در تجربیات اخیر بین‌المللی دیده می‌شود، امنیت ملی می‌تواند به‌عنوان قطب‌نمای بازتعریف عملیاتی معیار کارایی اقتصادی عمل کند، به‌گونه‌ای که عملاً معیار از «حداقل هزینه» به معیار«حداقل ریسک و حداکثر تاب‌آوری» تغییر معنا دهد. اقتصاد مقاومتی در این چارچوب، یعنی بازطراحی زنجیره‌های تامین و لجستیک (مانند ایجاد معابر تنفسی جایگزین) به گونه‌ای که موجودیت ملی در برابر انسداد مرزها یا گلوگاه‌ها آسیب‌ناپذیر باشد. سیاست‌های اقتصادی زمانی «مقاومتی» هستند که قدرت بازدارندگی کشور را ارتقا دهند. این امر مستلزم آن است که اقتصاد کشور به جای وابستگی‌های آسیب‌پذیر، بر «درون‌زایی» و «پیچیدگی تولید» با نگاه به امنیت پایدار متمرکز شود.

اقتصاد مقاومتی در واقع برآیندِ کنش‌گری امنیتی و اجتماعی است. با این نگاه، شعار سال صرفاً معرفی دو پیش‌نیاز نیست، بلکه یک «بازتعریف عملیاتی» است. اقتصاد مقاومتی در این تراز، محصولِ انتخاب هوشمندانه سیاست‌هایی است که از منظر وحدت ملی، شکاف‌های جامعه را ترمیم کنند (پرهیز از سیاست‌های تبعیض‌آمیز) و از منظر امنیت ملی، وابستگی‌های خطرناک را حذف و تاب‌آوری زیرساخت‌ها را تضمین کنند. چنین نگرشی، اقتصاد مقاومتی را از مجموعه‌ای از آرزوهای کلی، به یک «راهبرد عملیاتی هدفمند» ارتقا می‌دهد. در این پارادایم، سیاست‌گذار پیش از اتخاذ هر تصمیم اقتصادی، نخست می‌پرسد: «آیا این اقدام، پیوند میان آحاد ملت را مستحکم‌تر می‌کند؟» و «آیا این سیاست، ضریب امنیتی کشور را در برابر تهدیدات افزایش می‌دهد؟». تنها در صورت مثبت بودن پاسخ به این دو پرسش است که یک اقدام اقتصادی، در زمره «اقتصاد مقاومتی» قرار می‌گیرد. این رویکرد، اقتصاد را به سنگرِ مستحکمِ دفاع از کیان ملی مبدل ساخته و تاب‌آوری کشور را در برابر سخت‌ترین چالش‌های تاریخی تضمین می‌کند.

نکات کلیدی

در نگرش به اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی، این دو مقوله نه صرفاً به‌عنوان پیش‌نیاز و مفاهیمی در حاشیه اقتصاد، بلکه به مثابه قیدی در تعیین اولویت‌های سیاست‌گذاری مدنظر قرار می‌گیرند. بر این اساس، محورهای کلیدی زیر قابل تأمل است:

۱. **بازسازی قرارداد اجتماعی از طریق شبکه‌های حمایت هوشمند:** طراحی نظام‌های تامین اجتماعی فراگیر، نه صرفاً برای فقرزدایی، بلکه با هدف صیانت از انسجام اجتماعی در برابر تکانه‌های جنگی. این شبکه‌ها باید مانند یک ضربه‌گیر، مانع از تبدیل فشارهای معیشتی به گسست‌های امنیتی شوند.

۲. **عدالت مالیاتی به‌عنوان ضامن توازن مقاومت:** استقرار نظام مالیاتی کارآمد که با توزیع منصفانه بار مالی اداره کشور، از تمرکز ثروت و رانت جلوگیری کند. هدف اصلی در اینجا، ایجاد این باور عمومی است که هزینه مقاومت به‌طور عادلانه میان تمام دهک‌ها توزیع شده و هیچ گروهی از بحران، ثروت‌اندوزی نمی‌کند.

۳. **پدافند سرزمینی از طریق توسعه متوازن منطقه‌ای:** سرمایه‌گذاری راهبردی در مناطق مرزی و کمتر توسعه‌یافته با هدف حذف شکاف «مرکز-پیرامون». این اقدام با تقویت حس تعلق ملی، از تبدیل شدن نابرابری‌های اقتصادی به گسل‌های امنیتی و نفوذ بیگانگان جلوگیری می‌کند.

۴. **مردمی‌سازی اقتصاد و مالکیت ملی:** عبور از مدل‌های صلب شبه‌دولتی به سمت تقویت تعاونی‌ها و بنگاه‌های کوچک. وقتی آحاد مردم در لایه‌های تولید ذینفع باشند، تاب‌آوری کل سیستم افزایش می‌یابد؛ چرا که هر واحد تولیدی به سنگری برای حفاظت از موجودیت اقتصادی تبدیل می‌شود.

۵. **استقلال در حوزه‌های حیاتی (غذا و انرژی):** تبدیل امنیت غذایی و انرژی از یک متغیر تجاری به یک رکن دفاعی. سرمایه‌گذاری در کشاورزی دانش‌بنیان و تنوع‌بخشی به سبد انرژی بومی، اهرم فشار دشمن در کالاهای اساسی را از کار می‌اندازد.

۶. **افزایش پیچیدگی اقتصادی و تنوع‌بخشی به زنجیره تامین:** ارتقای سطح پیچیدگی تولید برای تبدیل ایران به گره‌ای ناگسستنی در اقتصاد جهانی. متنوع‌سازی مبادی ورودی و ایجاد ذخایر راهبردی برای دارو و تجهیزات حیاتی، استقلال راهبردی کشور را در شرایط انسداد مسیرها تضمین می‌کند.

۷. **هم‌افزایی دفاعی-اقتصادی (فناوری‌های با کاربرد دوگانه):** حمایت از زیست‌بوم‌های دانش‌بنیانی که قادر به تولید فناوری‌های با کاربرد دوگانه (دو منظوره) هستند. این رویکرد باعث می‌شود هزینه‌کردهای دفاعی، موتور محرک رشد فناورانه در بخش غیرنظامی شده و بنیه دفاعی و اقتصادی همزمان تقویت شوند.

۸. **معماری نوین دیپلماسی اقتصادی مقاومتی:** ایجاد پیوندهای ارگانیک و پیمان‌های پولی-مالی با شرکای استراتژیک. هدف، طراحی یک «هندسه جدید تجاری» است که در آن تحریم‌ها نه با دور زدن، بلکه با بی‌اثر شدن (از طریق حذف دلار و ایجاد مسیرهای موازی) خنثی شوند.

۹. **پدافند اجتماعی از طریق تمرکززدایی و توانمندسازی محلی:** جایگزینی مدل‌های تمرکزگرا با قطب‌های اقتصادی مستقل و کوچک در سراسر کشور. این پراکندگی، آسیب‌پذیری سیستم را در برابر حملات فیزیکی یا سایبری کاهش داده و با تقویت هویت‌های بومی در ذیل هویت ملی، انسجام را از پایین به بالا بازسازی می‌کند.

۱۰. **شبکه‌ای‌سازی صنایع راهبردی و کاهش نقاط آسیب‌پذیر:** تغییر آرایش صنایع بزرگ و متمرکز به سمت «واحدهای تولیدی شبکه‌ای و توزیع‌شده». برای مثال، خرد کردن فرآیند تولید دارو در واحدهای زیست‌فناوری استانی، امکانِ «قطع کامل جریان تولید» توسط دشمن را سلب کرده و تاب‌آوری صنعتی را به حداکثر می‌رساند.